

اعتکاف در آموزه‌های عرفانی

حجت الاسلام والمسلمین محمد امین صادقی اُرزگانی*

سخن نخست

همه آموزه‌های وحیانی با دو رویکرد ظاهری و فقهی و عرفانی و باطنی قابل شناخت است، که در این میان اعتکاف به عنوان زیباترین راه کار پالایش نفس و پیرایش زندگی آدمی با همان دو نگاه ضرورت بازشناسی دارد. رویکرد فقیهانه اعتکاف از دیرباز در آثار فقهی به تناسب بحث گردیده است، ولی رویکرد عارفانه آن مورد غفلت بوده و کمتر بحث شده است. پس بدلیل اهمیت آموزه متعالی اعتکاف در باب تهذیب و خودسازی لازم است که سویی‌ی عرفانی آن مورد توجه قرار گرفته و اشاره‌هایی که در برخی متون عرفانی در این باب آمده در چند محور به اندازه ظرفیت مقاله بازخوانی و تبیین گردد. قبل از طرح اصل بحث لازم است به نکته‌های مقدماتی مسئله اشاره گردد:

تعریف اعتکاف:

اعتکاف در لغت به معنای خود بازداشتن و گوشه نشین شدن است.^۱ و در اصطلاح شرع، التزام به توقف و درنگ در مسجد به قصد قربت و انجام عبادت.^۲ و نیز به معنای مقیم شدن در مساجد آمده است.^۳ ولی عارفان در تعریف اعتکاف از مفهوم ظاهری و لغوی آن عبور نموده و آن با دید باطن معنا کرده‌اند چون در نگاه عرفانی عبارت است از فارغ نمودن دل و تنزیه جان از اشتغالات دنیایی و تسلیم کردن نفس به حضرت دوست چه این که گفته شده اعتکاف اقامت گزیدن به درگاه حق تعالی است و پیام اقامت این است که از درگاه تو دور نمی‌شوم تا آن که مرا بخشایش و لطف قرار دهی.^۴

* پژوهشگر حوزه علمیه.

۱. علی ابن محمد جرجانی، التعریفات نشر دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۱۷ق، ص ۴۵.

۲. همان.

۳. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، نشر دفتر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۲۲۹، ماده:ع، ک، ف.

۴. علی ابن محمد جرجانی، التعریفات، ص ۴۶.

خاستگاه و حیانی اعتکاف:

قرآن کریم در آیات متعدد به مفهوم اعتکاف اشاره نموده^۱ و در سوره بقره با اشاره به موقعیت معنوی و اجتماعی کعبه فرمود: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی وَ عَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتُنَا لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَ الرُّكَّعِ السُّجُودِ»^۲ و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم، [و فرمودیم] در مقام ابراهیم، نماز گاهی برای خود اختیار کنید، و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که: خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید.

در این آیه با اشاره به موقعیت معنوی کعبه و نقش آن در سلوک عبادی انسان، از آن به اعتکاف گاه معتکفان یاد شده، و این نشانه آن است که اعتکاف یکی از بهترین عمل عبادی در نگاه قرآن است.

و در تبیین پیام این آیه برخی از عارفان چنین سروده است

عهد یزدان با خلیل و با ذبیح پاک دارند از برای طائفین
که به دور آن سرای پاک صاف عاکفین، از عارفان کامل اند^۳

در روایات نیز از جنبه‌های مختلف در باب اعتکاف و آداب و احکام و شرایط آن سخن به میان آمده است^۴ از جمله امام باقر (ع) درباره آداب و شرایط اعتکاف فرمود: «الْمُعْتَكِفُ لَا يَشْمُ الطِّيبَ، وَ لَا يَتَلَذَّذُ بِالرَّيْحَانِ، وَ لَا يَمَارِي، وَ لَا يَشْتَرِي، وَ لَا يَبِيعُ»^۵ انسان در حال اعتکاف باید از بوی خوش، لذت بردن از ریحان (گیاهان خوش بو) خودداری نماید، و رفت و آمد و خرید و فروش ننماید.

عارفان نیز با الهام از آیات و روایات قرآن کریم در باب اعتکاف و شرایط و لوازم آن به تفصیل سخن گفته‌اند.^۶ و از جمله میبیدی می‌نویسد:

شخصی معتکف به خدای خود این گونه وانمود می‌کند که از جهان گریخته، و برای جبران اشتباهات گذشته خود خلوت گزیده است، و به درگاه قرب الهی روی آورده، و در آستان او را برگزیده، و خاک را بستر خویش قرار داده است، تا مورد بخشایش و لطف تو قرار نگیرم از درگاهت باز نگردم.

۱. بقره، ۱۸۷، ۱۳۸، طه، ۸۷، شعراء، ۷۱، حج، ۲۵.

۲. بقره، ۱۲۵.

۳. صفی علی شاه، تفسیر عرفانی و منظوم قرآن، نشر موسسه فرهنگی انتشارات اباصالح، تهران، ۱۳۸۵ش، ج ۱، ص ۳۳۶.

۴. رک: حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۹۱ق، ج ۷، ص ۳۹۷.

۵. رک: شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، منشورات جماعة المدرسين فی الحوزة العلمیة فی قم المقدسه. بی تا، ج ۲، ص ۱۸۶.

۶. محی الدین عربی، فتوحات مکیه، المكتبة العربیة، قاهره، ۱۴۰۵ق با تحقیق عثمان یحیی، ج ۹، ص ۳۵۴ تا ص ۴۷۳.

و در آموزه‌های دینی آمده: وقتی معتکف از حال اعتکاف بیرون می‌آید به او گفته می‌شود از گناهان خود پاک گردید همانند روزی که از مادر زاده شده بودی.^۱

در مجموع از آنچه که گذشت می‌توان نتیجه گرفت، اعتکاف که در آموزه‌های عرفانی آمده خاستگاه و حیانی دارد.

اعتکاف عارفانه:

اعتکاف غیر از شرایط، لوازم، آداب و احکام ظاهری و فقهی که در جای خود به تفصیل مطرح شده^۲ جایگاه ویژه‌ای در عرفان دارد و عارفان ضمن بحث فقهی و تبیین احکام ظاهری اعتکاف،^۳ درباره آثار، آداب و نتایج معنوی و باطنی و عرفانی آن نکته‌های درس آموزی را بیان نموده که در اینجا به اختصار در چند محور طرح و بازگو می‌شود:

۱- مفهوم عرفانی اعتکاف:

عارف نامدار محی الدین عربی درباره مفهوم اعتکاف گفته است: اعتکاف در لغت استقرار در مکان خاص است و در نگاه فقهانه انجام اعمال مخصوص با حالت خاص به قصد تقرب الهی، و در نگاه عارفانه اعتکاف معنای عمیق‌تر از این دارد، زیرا معتکف که به قصد قربت با حق تعالی خلوت می‌کند در مرتبه اول باید به گونه‌ای باشد که نور الهی را در همه چیز مشاهده نماید. (این اعتکاف عارفانه به معنای عام است) و از دید عرفانی اعتکاف معنای کامل‌تر از این نیز دارد که مرتبه دوم آن محسوب می‌شود و آن اینکه معتکف همواره با اسمی از اسمائی الهی باید زندگی کند و حقیقت و سلطان آن اسم بر او تجلی نماید و او را به سوی خویش فرا بخواند تا با او باشد و تحت تدابیر او سیر نماید.^۴

و برخی دیگر نیز گفته‌اند: اعتکاف قیام اسرارگونه بر حقیقت مراقبت، است که سالک ایستادگی می‌کند به سبب آن اسرار بر حقیقت مراقبت که دیده بانی کردن و پاس داشت حقایق است. اعتکاف در واقع عبارت است از تخلیه کردن خانه دل از کثافات و رذایل، و همانطور که اگر مسجد پاک نباشد اعتکاف معتکف درست نیست، خانه دل هم اگر پاک نباشد اعتکاف درست نخواهد بود، حقیقت اعتکاف امساک و اثبات و اهلak است که وقوف با حق و امساک از همه اغراض نفسانی و اثبات حق و اهلak باطل می‌باشد»^۵

۱. میبیدی ابوالفضل، کشف الاسرار، موسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۱۶ق با اهتمام علی اصغر حکمت، ج ۱، ص ۵۰۷.

۲. ر،ک: امام خمینی، تحریر الوسیله، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۸۷ تا ۲۹۳.

۳. ر،ک: محی الدین عربی، فتوحات مکیه: ج ۹، ص ۴۵۳

۴. محی الدین، فتوحات مکیه، ج ۱، ص ۴۶۰.

۵. جنابذی، شرح کلمات باباطاهر، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۳۳ق، ۱۷۳، ۱۷۴.

در نتیجه از مجموع گفته‌های عارفان چنین بدست می‌آید که آنان با حفظ مفهوم و شرایط و لوازم ظاهری و فقهی آموزه‌های اعتکاف، برای آن مفهوم متعالی‌تر قایل‌اند.

۲- اعتکاف در آیات عرفانی

در شعر فارسی که متأثر از عرفان اسلامی است، مفاهیم آموزه‌های وحیانی به زیبایی پرورانده شده است. اما درباره نقش شعر در بازتاب آموزه اعتکاف باید اشاره گردد.

اما در خصوص آموزه اعتکاف با توجه به این که اعتکاف تنها یک عمل عبادی ویژه است، از این جهت جایگاه متعالی در شعر عرفانی دارد. گفتنی است گرچه در اشعار و ادبیات شاعرانه از واژه اعتکاف و یا متعکف کمتر استفاده شده و به جای آن الفاظ مترادف و معادل اعتکاف مثل «خلوت» «خلعت» و مانند آن در بیان مسئله وام گرفته شده است. ولی به خوبی روشن است که آن واژگان به لحاظ محتوا و پیام تفاوتی با اعتکاف ندارد و مراد شاعر از آن الفاظ همان چیزی است که در آموزه‌های وحیانی (آیات و روایات) با تعبیر اعتکاف آمده است. به عنوان نمونه حافظ در غزل زیبایی گفته است:

خلوت گزیده را به تماشا چه حاجت است چون کوی دوست هست به صحرا چه حاجت است

ای مدعی برو که مرا با تو کار نیست احباب حاضرند به اعدا چه حاجت است^۱

حافظ در این سروده دقیقاً در مدد بیان کارکرد و اهداف و آثار و شرایط اعتکاف اشاره دارد، گرچه مفهوم خلوت گزیده ممکن است وسیع‌تر از اعتکاف باشد ولی اگر دقت شود در این شعر حافظ و مراد از «خلوت گزیده» همان معتکف است. چه این که در جای با کلمه متعکف سخن گفته است:

صبح امید که بد معتکف پرده غیب گو برون آی که کار شب تار آخر شد^۲

در عرفان گاهی با تعبیر «عاکف» از آموزه اعتکاف سخن گفته شده مثلاً عارف و فقیه بزرگ معاصر امام خمینی (ره) ضمن سروده‌ای می‌گوید:

جز سر کوی تو ای دوست ندارم جایی در سرم نیست به جز خاک درت سودائی

بر در میکده و بتکده و مسجد و دیر سجده آرم که تو شاید نظری بنمائی

عاکف درگه آن پرده نشینم شب و روز تا به یک غمزه او قطره شود دریایی^۳

۱. حافظ شیرازی، دیوان، ص ۳۳.

۲. همان، ص ۱۶۶.

۳. امام خمینی، دیوان، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص ۱۳۷۴ ش، ص ۱۸۶.

حضرت امام به دلیل روحیه‌ی عرفانی آرامش و قرار خود را بر سر کوی دوست جست و جو می‌کرده و در هر کاری رضا او را مورد نظر داشته است و برای کسب رضا حق تلاش می‌نموده است از این رو با تعبیرات عارفانه و شاعرانه از وقوف مداوم بر در خانه دوست سخن گفته و به این نکته توجه داده است که در همه امور زندگی و کارهای که انجام می‌داده جز جلب رضا دوست چیزی دیگر خواست او نبوده است. امام در کارهایی که انجام می‌داده خود را مثل معتکف پرده نشین می‌دانسته است که به امید غمزه چشم محبوب حقیقی در خانه دوست خلوت گزیده است تا با یک نگاه بنده نوازانه‌ی او قطره وجودش را به دریای بی کران هستی وصل گردیده و به مقام فنای در بحر وجود نایل آید.

چه این که امام خمینی گاهی از سنت اعتکاف به «جرگه عشاق» و «خلوت مستان» نیز یاد نموده است:

در جرگه عشاق روم بلکه بیابم از گلشن دلدار، نسیمی رد پائی

این ما و منی جمله ز عقل است و عقال است در خلوت مستان نه منی هست و نه مائی^۱

امام به عنوان یک عارف و حکیم معتقد بوده است که از رهگذر حضور در جمع عشاق معتکف می‌تواند به نسیم دل انگیز گلشن دلدار دست یابد، چون غیر از خلوت اعتکاف و جمع عشاق ره آورد معرفت‌های عقلی و مانند آن در واقع نه تنها راه گشا نیست بلکه سبب پای بندی انسان می‌گردد، تنها در خلوت مستانه اعتکاف می‌توان از منیت و نفسانیت رهایی پیدا نمود.

شیخ بهایی در سروده «مُخَمَّس» خود با تعبیر «معتکف» در باب اعتکاف سخن گفته است:

رفتم به در صومعه عابد و زاهد دیدم همه را پیش رخت راکع و ساجد

در میکده رهبانیم و در صومعه عابد گه معتکف دیرم و گه ساکن مسجد

ایشان نیز حضور در معابد و مساجد را نمادی از اعتکاف دانسته و معتقد است که رکوع و سجود و همه عبادتگاه در حقیقت معتکفگاه است و خلوت گزیدگان سالک در آن جا سرگرم گفتگوی با حضرت دوست‌اند.

بدین ترتیب معلوم می‌شود که آموزه اعتکاف در ادبیات عرفانی نیز جایگاه بلندی دارد گرچه با الفاظ متفاوت از آن یاد شده است.

۳- نگاه عارفانه به مکان اعتکاف:

از نگاه فقهی اعتکاف باید در یکی از چهار مسجد انجام شود: مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد کوفه و مسجد بصره. و در غیر آن‌ها تنها به قصد رجاء و احتمال مطلوبیت می‌توان اعتکاف نمود.^۲ محی الدین عربی با اشاره به دیدگاه مختلف فقها در باب

۱. همان، ص ۱۸۷.

۲. امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۸.

مکان اعتکاف، با نگاه عارفانه به مکان اعتکاف، گفته است: مساجد که محل اعتکاف است خانه خداوند است، کسی خود را با اعتکاف ملزم نموده در آن جا اقامه داشته باشد، شایسته نیست، به سوی غیر پروردگارش روی آورد، چون این کار بی ادبی نسبت به ساحت قدس الهی است.^۱

و هم چنین تأکید نموده: اعتکاف اقامت با حق است و این اقامت امر معنوی است و نه حسی، و اقامت با خدای متعال ممکن نیست مگر از راه دل، همان طور که در نماز توجه به خداوند حاصل نمی شود مگر از طریق دل، پس اعتکاف امری است معنوی که معتکف ملزم می شود که جز اعمال نیک از او سر نزند و از محل اعتکاف جز برای انجام کارهای ضروری و رسیدگی به امور لازم خود و بستگان خویش از محل اعتکاف برون نرود.^۲ پس حضور مداوم در محل اعتکاف جزء آداب ضروری آن است و معتکف تنها برای رفع نیازهای ضروری اجازه دارد از آن مکان مقدس برون رود. و در نگاه عارف محل اعتکاف "کوی میکده" است که پیوسته باید در آن حضور داشت و از آن برون نرفت لذا گفته شده:

به کوی میکده هر سالکی که ره دانست
دری دیگر زدن اندیشه تبه دانست
بر آستانه میخانه هر که یافت رهی
ز فیض جام می اسرار خانقه دانست^۳

پس محل اعتکاف همانند خود اعتکاف الزامات و آدابی دارد، یکی از آن حضور مداوم در آن و عدم جواز خروج از آن است، چون محل اعتکاف خلوت گاه دلدار است و حضور پیوسته در آن سبب دریافت فیوضات بیشتر شده و در معرفی تابش نور و جلوه های کامل تر قرار گرفتن است و برون رفتن از آن مگر برای کارها و مصالح ضروری، باعث پراکنده گی خاطر گردیده و با اهداف متعالی اعتکاف در تعارض است.

۴- شناخت عارفانه از زمان اعتکاف:

اعتکاف در هر زمان درست، ولی در ماه رمضان به خصوص دهه آخر آن فضیلت بیشتر دارد. مدت زمانی اعتکاف حداقل سه روز است و برای حداکثر زمان محدودیت ندارد. دیگر اینکه وقت شروع اعتکاف از اول فجر روز اول است و تأخیر از آن جایز نیست.^۴

در نگاه عارفان زمان شناسی در هر کاری از جمله اعتکاف نقش اساسی دارد از این رو حافظ در مقام نقش زمان در پالایش و پیرایش جان آدمی گفته است:

سحرگاه رهروی در سحرزمینی
همی گفت این معما با قرینی
که ای صوفی شراب آن گه شود صاف
که در شیشه بماند اربعینی^۵

۱. محی الدین عربی، فتوحات مکیه، ج ۹، ص ۴۵۵ و ۴۵۶.

۲. محی الدین عربی، فتوحات مکیه، ج ۹، ص ۴۶۴.

۳. حافظ شیرازی، دیوان، ص ۴۷.

۴. ر.ک: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۵. حافظ شیرازی، دیوان، ص ۴۸۵.

گفتنی است گرچه حافظ در این شعر به طور مستقیم از اعتکاف سخن نگفته است، ولی از رویکرد او، مبنی بر زمان شناسی، می‌توان نتیجه گرفت که در اعتکاف نیز زمان شناسی مدنظر حافظ می‌باشد، چون چله نشینی در قاموس عارفان جایگاه ویژه‌ای برای رسیدن به مقامات متعالی دارد از این گفته شده: «در نگاه عارفانه مدت اعتکاف، اغلب چهل روز (یک اربعین) متداول است»^۱

عارف عربی در نقش زمان در اعتکاف می‌گوید: چون تجلی اعظم عام شبیه طلوع شمس است، با تجلی شمسی اعتکاف عام تحقق پیدا می‌کند، و به معتکف با اسمی از اسماء الهی گفته می‌شود: در اعتکاف خود درآی در وقت ظهور علامت تجلی اعظم که همان طلوع فجر و بعد از نماز صبح است، تا فتح الهی بر تو نزدیک باشد.

اگر معتکف از اول شب داخل در اعتکاف شود، مسافت زمانی او طولانی‌تر شده و چه بسا نسیان بر او عارض گردد. و از این روست که شارع مقدس به معتکف توجه داده که بعد از نماز فجر و قبل از طلوع شمس داخل در اعتکاف گردد.^۲

پس به دلیل اهمیت و نقش بی‌بدیل زمان در اعمال عبادی به ویژه اعتکاف است که زمان سحر برای آغاز اعتکاف معین گردیده. بخصوص این که معتکف از اول شب یا آخر شب به جای اعتکاف می‌آید تا خود را در زمان شروع اعتکاف آماده حضور سازد. حافظ در تبیین آثار و برکات وقت سحر در جاهای متعدد سخن گفته از جمله گفته است:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند	واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند
بیخود از شعشعه پرتو ذاتم کردند	باده از جام تجلی صفاتم دادند
چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی	آن شب قدر که این تازه براتم دادند
همت حافظ و انفاس سحرخیزان بود	که ز بند غم ایام نجاتم دادند ^۳

در نتیجه از مجموع آن چه بیان شد معلوم گردید که زمان شناسی در بسیاری از اعمال عبادی بخصوص اعتکاف نقش اساسی دارد و التزام به آن از شرایط صحت اعتکاف بوده، و ظرف زمانی در اعتکاف مثل ظرف مکان در تأمین اهداف اعتکاف نقش دارد.

۵- روزه عارفانه معتکفان:

یکی از شرایط اعتکاف روزه داری است، روزه جزء ارکان اصلی اعتکاف است. به گونه‌ای که اعتکاف بدون روزه صحیح نیست.^۴ در عرفان با اشاره به اعمال اعتکاف نظیر: نماز، ذکر، دعا، تلاوت قرآن و مانند آن.^۵

۱. دکتر سید صادق گوهرین، شرح اصطلاحات تصوف، انتشارات زوار، تهران ۱۳۶۷ش، ج ۲-۱، ص ۲۷۶.

۲. محی الدین عربی، فتوحات مکیه، ج ۹، ص ۴۶۱ تا ص ۴۶۳.

۳. حافظ شیرازی، دیوان، ص ۱۸۳.

۴. ر.ک: امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۸۷.

۵. محی الدین عربی، فتوحات مکیه، ج ۹، ص ۴۵۳.

درباره رویکرد عرفانی روزه داری در همه حال به خصوص در زمان اعتکاف به نکته‌های زیبایی اشاره شده، مثلاً عارف نامدار محی الدین عربی در این باب گفته است: رسول خدا ﷺ فرمود: هر کسی می‌خواهد با حق تعالی بوده و در پیشگاه او اقامت گزیند باید با صفتی که از آن خداوند است با او مقیم گردد، و آن صفت روزه داری است تا از این رهگذر «مع الله»، «بالله» و «لله» شود، و چیزی غیر از اوصاف الهی در او دیده نشود، و این وصف اهل الله است. از رسول خدا ﷺ پرسیده شد که اولیاء چه کسانی اند؟

حضرت فرمود: اولیاء کسانی هستند وقتی مردم آنها را می‌بینند به یاد خداوند می‌افتند.^۱

حال باید دید که روزه چرا و چگونه از صفات الله شمرده می‌شود؟

در ابتداء باید اشاره شود که در روایتی آمده: «كُلُّ حَسَنَةٍ بَعَثَ امثالُها إِلَى سَبْعِمِائَةِ ضِعْفٍ إِلَّا الصَّيَّامُ، فَإِنَّهُ لِي وَ أَنَا أُجْزَى بِهِ»^۲ هر کار نیک از ده تا هفت صد برابر ثواب دارد، مگر روزه، زیرا آن برای من است و من خود پاداش آن هستم. طبق این حدیث نورانی روزه در واقع وصال دوست و شهود جمال محبوب است و این وصال و لقای معنوی پاداش روزه است، پاداش روزه خود خدا و وصال و شهود جمال اوست.^۳

عارف عربی در تبیین این حدیث گفته است: روزه و صوم، صفت صمدانی است از این رو خداوند با تعبیر «فإنه لي» آن را وصف کرده. و چون صوم صفت صمدانی است پس اگر بنده به آن صفت یعنی تنزیه از غذا وصف شده، به اعتبار تقیید است، زیرا تنزیه از تغذیه و صمدانیت به صورت مطلق وصف خداوند است و به صورت مقید بنده صائم و روزه دار به آن متصف می‌شود لذا فرمود: «أنا اجزى به» حق تعالی جزای صوم برای صائم است.^۴

در این باب این تحلیل زیبا و شنیدنی است: روزه انسان را به صفت صمدیت متصف می‌کند و انسان از طریق روزه مظهر اسم «الصمد» می‌شود، زیرا چنان که اشاره شد صمد کسی است که منزّه از تغذیه و غذا خوردن است، امام حسین (ع) درباره معنای صمد فرمود: «الصَّمَدُ الَّذِي لَا جُوفَ لَهُ، الصَّمَدُ الَّذِي لَا يَأْكُلُ وَلَا يَشْرَبُ، الصَّمَدُ الَّذِي لَا يُنَامُ»^۵ صمد موجودی است که مجوف و میان تهی نیست، صمد موجودی است که نمی‌خورد و نمی‌آشامد، صمد موجودی است که خواب ندارد.

۱. ر.ک: همان، ص ۴۶۶.

۲. فیض کاشانی، محجّة البیضاء، دفتر انتشارات اسلامی، قم، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۱.

۳. ر.ک: صادقی ارزگانی، شناخت عارفانه حضرت فاطمه زهرا(س)، نشر بوستان کتاب، قم ۱۳۹۲ش، ص ۲۸۷ و ۲۸۸.

۴. محی الدین عربی، فتوحات مکیه، ج ۹، ص ۱۰۳.

۵. مجلسی محمدباقر، بحارالانوار، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۲۲۳.

بر اساس این حدیث نورانی، روزه زمینه ظهور و تجلی اسم الصّمد را در وجود انسان فراهم می‌سازد، و انسان را فرشته منش می‌سازد، یعنی همان گونه که فرشتگان به عنوان مظاهر اسم الصّمد منزّه از جوف، خوردن، آشامیدن و خواب اند، انسان روزه دار نیز به مشرب فرشتگان تلاش می‌کند که با روزه خود زمینه تجلی صفت صمدیت را در خود به وجود آورد.^۱

و در این باب سخن نغز مولوی بسیار زیباست که می‌گوید:

گر تو این ابنان، ز نان خالی کنی	پیر ز گوهرهای اجلال کنی ^۲
این دهان بستی، دهانی باز شد	کاو خورانده لقمه‌های راز شد ^۳
اندکی زین شرب کم کن بهر خویش	تا که حوض کوثری یابی به پیش ^۴
لب فرو بند از طعام و از شراب	سوی خان آسمانی کن شتاب
باش در روزه شکیبا و مصر	دم به دم، قوت خدا منتظر

از آن چه بیان شد: اولاً روشن گردید این که روزه جزء ارکان اصلی اعتکاف است بدلیل آن است که روزه داری صفحه جان آدمی بهتر صیقل می‌خورد و زمینه تجلیات معنوی بر چهره جان انسان بهتر فراهم می‌گردد و اهداف اعتکاف از این رهگذر تأمین می‌شود.

ثانیا به دست آمد اینکه در کلام عارفان از روزه به عنوان صفت الهی یاد شده، مراد چیست؟

در نتیجه معلوم می‌شود با روزه عارفانه است که اعتکاف سبب فرشته خوی انسان شده و زمینه تجلیات الهی را در او فراهم می‌سازد، چه این که با روزه داری انسان مظهر اسم «الصّمد» گردیده و در خلوت انس اعتکاف وجود انسان تجلی گاه اسماء و صفات متعالی خداوند می‌گردد و به تعبیر قرآن انسان معتکف با روزه داری رنگ خدا می‌گیرد، که فرمود: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَ مَنْ أَحْسَنَ مِنْ اللَّهِ صِبْغَةً»^۵ این است نگارگری الهی، و کیست خوش نگارتر از خدا؟

۶- مراحل و منازل عرفانی اعتکاف:

در ابتداء باید اشاره گردد که در نگاه عارفان و حکیمان الهی، فرایند سیر و سلوک معنوی که انسان را به قرب الهی و وصال حضرت دوست می‌رساند به طور کلی در چهار مرحله خلاصه می‌شود: مرحله نخست «سفر از حق به سوی خلق» است در این مرحله انسان سالک سفرش را از کثرت به سوی وحدت آغاز می‌کند و حجاب‌های گوناگون ظلمانی و نورانی را درمی‌نوردد و به

۱. ر.ک: صادقی ارزگانی، شناخت عارفانه حضرت فاطمه زهرا(س)، ص ۲۸۹.

۲. مولوی، جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، نشر هرمس، تهران، ۱۳۸۵ش، ص ۷۶ (دفتر اول).

۳. مولوی، جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، دفتر سوم، ص ۵۰۱.

۴. همان، دفتر پنجم، ص ۷۶۴.

۵. بقره، ۱۳۸.

فناى در حق تعالى نایل می‌شود. بعد از پایان مرحله اول، «سفر از حق به سوى حق بالحق» که مرحله دوم است شروع می‌شود، در این مرحله سالک در اسماء و صفات و مظاهر افعال الهی سیر می‌کند و آنها را با دیده دل مشاهده می‌کند. در مرحله سوم که «سفر از حق به سوى خلق بالحق» نام گذاری شده، سالک در مراتب افعال الهی سیر می‌کند و ملکوت، جبروت و ناسوت را با دیده جان می‌بیند. در مرحله چهارم که از آن به «سفر از خلق به سوى خلق بالحق» یاد می‌شود، سالک از سیر باطنی و ملکوت عالم خلقت به سوى ظاهر عالم برمی‌گردد و با وجود حقانی در میان مردم زندگی می‌کند و به هدایت آنان می‌پردازد.^۱

حال باید دید که این فرایند سلوک عرفانی در آموزه اعتکاف چگونه بازتاب می‌یابد و تبیین عملی و کاربردی آن چگونه است؟ در تحلیل و کاربرد این فرایند در مسئله اعتکاف در سه محور به نکته‌هایی اشاره می‌گردد:

الف: در اعتکاف همانند سایر اعمال عبادی گام نخست همان است که عارفان از آن به «سیر از خلق به سوى حق» یاد نموده‌اند. در این مرحله معتکف منازل متعددی را باید طی کند که اساسی‌ترین آنها عبارت‌اند:

۱- منزل یقظه: در نگاه عارفانه برخاستن و قیام برای خداوند همان بیداری از خواب غفلت است و این نخستین نوری است که در قلب انسان معتکف می‌زند و او را از غفلت بیدار نموده و از سکر طبیعت رهایی می‌دهد.^۲

طی این منزل که از آن به منزل توجه نیز می‌توان نام برد، سبب می‌شود که معتکف قبل از حضور در مراسم اعتکاف به توفیق الهی که نصیب او گردیده توجه پیدا می‌کند و از این که لیاقت حضور در خانه خدا را یافته و در محضر او تشرّف یافته و مهمان اوست، شکرگذار باشد و خود را برای عبور از منازل دیگر آماده نماید.

۲- منزل توبه: کسی که می‌خواهد به خانه خدا برود و مدّتی مهمان دوست باشد باید خود را از آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها پاک نماید و آن گاه به ملاقات معبود خویش بشتابد. توبه قبل از اعتکاف نظیر تکبیرة الاحرام هنگام شروع نماز است. توبه بازگشت آگاهانه انسان به سوى خداوند بعد از تمرّد جسورانه نسبت به دستورات حق است. توبه بازگشت محبّ به سوى محبوب و اظهار ندامت و عذر تقصیر خواستن از حضرت دوست است. توبه بازگشت امیدوارانه، و اعتماد به وعده آمرزش و بخشایش الهی است. توبه دومین منزل سیر و سلوک معنوی و حرکت در جهت شکوفایی استعدادهای نهفته در نهان خانه وجود آدمی است.^۳ توبه باعث می‌شود انسان با طهارت جان از هر آلودگی به اعتکاف و وقوف در حضور حضرت دوست وارد گردد، و انسان معتکف با طی منزل توبه دومین گام را برای ورود به ضیافت خانه اعتکاف برمی‌دارد.

۱. ر.ک: صدرالمآلهین، اسفار اربعه، نشر دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۱۸م، ج ۱، ص ۲ (پاورقی محمد رضا قمشه ای) و نیز: حسن زاده آملی، نصوص الحکم بر فصوص الحکم، انتشارات توس، ۱۳۶۷ش ص ۳۰۶، نص ۵۱.

۲. ر.ک: قاسانی، عبدالرزاق، شرح منازل السائرین، نشر بیدار، قم ۱۳۷۲ش، ص ۳۵.

۳. ر.ک: صادقی ارزگانی، درسنامه عرفان امام خمینی، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ش، ص ۱۹۴.

۳- منزل تجلیه: در این منزل انسان معتکف نفس و قوای ظاهری و باطنی خود را تحت انقیاد و اطاعت از احکام شرع درمی‌آورد تا دستورهای شرع مقدس سبب پاکی صوری و طهارت ظاهری او گردیده و در نفس او خوی انقیاد و تسلیم به وجود بیاید و با عمل به تکالیف شرعی ظاهر و باطن او با جلا و صفای دینی آراسته گردد.

۴- منزل تخلیه: معتکف در این منزل می‌کوشد جان خود را از هرگونه رذایل و نیاید های اخلاقی پاک نموده و همه بدی‌ها را از خود دور سازد و ظرف قلب خویش را از زشتی‌ها خالی سازد. پس این منزل در واقع توقف گاه ریشه کن نمودن صفات رذیله از وجود سالک معتکف است.

۵- منزل تحلیه: پس از عبور از منازل یاد شده سالک معتکف خود را به زیور اخلاق نیک و خصلت‌های پسندیده آراسته می‌کند، و درخت فضایل اخلاقی در سرزمین جان خود می‌کارد، و چون در منزل تخلیه رذایل اخلاقی که مانند علف‌های مزاحم بود از سرّ جان خود پاک کرده است، حال نوبت کاشتن درخت فضایل است که بی وجود مانع و مزاحم به رشد و بالندگی خود ادامه خواهد داد^۱ که به گفته حافظ شیرازی:

خلوت دل نیست جای صحبت اصداد دیو چو بیرون رود فرشته درآید^۲

ب: مرحله دوم، سیر از حق به سوی حق است، پس از فراهم شدن مقدمات اعتکاف و طی نمودن منازل یاد شده، نوبت به مرحله دوم اعتکاف می‌رسد، اگر اعتکاف با مقدمات پیشین به پیش رفته باشد، می‌تواند معتکف را به مقام عبودیت کامل که بالاترین مقام انسان است برساند.

در این مرحله سالک معتکف وجودش حقانی شده و به مقام ولایت الهی بار خواهد یافت. سالک معتکف در فرایند سیر وجودی خود به دریای بیکران هستی محو شده و در اسماء و صفات الهی سیر خواهد نمود و با معرفت قلبی به مقام ولایت نایل می‌گردد.

ج: مرحله سوم، سیر از حق به سوی خلق است، این مرحله در سفر عرفانی اعتکاف وقتی شروع می‌گردد که معتکف اعتکاف را به پایان رسانده و در واقع از محضر دوست به سوی خلق برمی‌گردد، معتکف پس از طی نمودن مراحل و منازل یاد شده به مرحله خودسازی رسیده، و پس از حضور در جامعه و وظیفه دارد دیگران نیز از ره آورد معنوی سفر خود بهره مند سازد، نیازهای گوناگون معرفتی، مالی، اجتماعی و مانند آن‌ها را در حد توان برطرف سازد و آنها را در مسیر هدایت رهنمون باشد. و بدین ترتیب مراحل و منازل عرفانی اعتکاف به حد نصاب کامل خود خواهد رسید و معتکف سالک کوی دوست چنان غرق ترنم ره آورد سفرش است که این غزل حافظ آن حال او را تداعی می‌کند:

۱. حسن زاده آملی، حسن، یازده ساله، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران ۱۳۶۳ش، ص ۳۵۴.

۲. حافظ شیرازی، دیوان، ص ۲۳۴.

و اندر آن برگ و نوا خوش ناله‌های زار داشت	بلبلی برگ گلی خوش‌رنگ در منقار داشت
گفت ما را جلوه معشوق در این کار داشت	گفتمش در عین وصل این ناله و فریاد چیست
ذکر تسبیح ملک در حلقه زَنار داشت ^۱	وقت آن شیرین قلندر خوش که در اطوار سیر

جمع بندی و حسن ختام:

بی تردید احکام الهی و آموزه‌های آسمانی برای پرورش نهال وجود و درخت طوبای جان آدمی است، تا او را از عالم پایین و ناچیز طبیعت و ماده به سوی عوالم برتر و بالاتر سیر دهد و به مقام برین و شامخ قرب الهی و وصال دوست نایل گرداند، از جمله این آموزه‌ها مسئله اعتکاف است که ماهیت آن را سکوت، صوم، بیداری، خلوت، دعا و راز و نیاز مداوم تشکیل می‌دهد. اعتکاف در واقع در کوی ولایت وقوف پیدا کردن، و در خانه دل و نهان خانه جان با حضرت حق سخن گفتن، و از غیر دوری گزیدن و به دوست پیوستن است.

اعتکاف، پشت پا زدن به تعلقات نفس است، معتکفان می‌کوشند تا از فرش زمین نفس تا به عرش آسمان دل، پرواز کنند، و در آستان دوست منزل گزینند.

اعتکاف عاشق را به سوی حرم امن الهی که دل است می‌برد. گرچه برای اعتکاف چنان که قبلاً بیان شد زمان‌های خاص در آموزه‌های دینی مشخص گردیده، ولی در نگاه عارفانه اعتکاف انسان در پیشگاه حق اختصاص به زمان خاص و وقت مخصوص ندارد، زیرا که عارف حضور دائم دارد و همین حضور پیوسته اعتکاف اوست. از این رو اعتکاف چند روز در مسجدالحرام و یا مساجد دیگر، آیت و نشانه‌ای برای آن اعتکاف حقیقی است باید توجه داشت معتکف شدن در مسجدی برای چند روز برای همگان میسر است، ولی معتکف شدن در خانه حق و دل را به صاحب خانه دادن و استقامت در طی مسیر داشتن کاری بس دشوار است. اعتکاف رسیدن به دفتر دل و از اسرار غیب آگاه شدن و به قیام قیامت جان رسیدن است. اعتکاف صاحب دل رحل اقامت افکندن و وصف دل را تا قیامت جان شنیدن است و در دل شب نیز از نوای سینه و نای گلوهای و هوی برآوردن است. اعتکاف روزه سکوت گرفتن و از غیر و نامحرمان دور شدن و از معاشرت پرهیز کردن و از حرف و کلام غیر برائت جستن و با ممنوعان خویش که همدل‌اند انس داشتن است. در نگاه عارف اعتکاف از لذایذ مادی دوری گزیدن و از زندان نفس آزاد شدن و با غسل و نیت، جان تطهیر کردن و با عمل امّ داوود، و دستورالعمل از کاملان گرفتن است. اعتکاف در واقع خود را یافتن و دل به کامل و اصل سپردن و در نهایت قرآنی شدن است. برای رسیدن به هدف بزرگ تزکیه و تهذیب نفس و سیر و سلوک باید

۱. حافظ شیرازی، دیوان، ص ۷۹.

اعتکاف نمود. اعتکاف در حقیقت راز و نیاز با خالق و فارغ از خود شدن و توجه نمودن به حضرت حق است که مرکز قدرت، عزّت، حکمت و همه خوبی‌هاست.

اعتکاف همواره و در همه زمان‌ها پربرکت و سازنده است، ولی در عصر حاضر پیام ویژه دارد، در عصری که دنیاطلبی معیار برتری و عزّت گردیده و از دین و معنویت که ریشه در اصل فطرت آدمی دارد جز شبیحی کم رنگ، چیزی به جا نمانده، چه زیبا و شیرین است که انسان در خلوتی روحانی، در خانه خدای خود به اعتکاف نشسته و خود را به دریای بیکران رحمت دوست بسپارد و از او برای گذر از این مرحله و موانع سخت یاری بخواهد. و این است خلاصه مفهوم اعتکاف در آموزه‌های عرفانی.

خوشا بر اعتکاف عارفانه	که می‌نوشی بود در بین خانه
خوشا بر عارفان در خلوت دوست	که بزم عشق دارند جاویدانه
خوشا بر معتکف خانه‌ی یار	که دارد مثل بلبل خوش ترانه
شکوفه در سحرگه بر لبانش	تلاوت‌های قرآن شبانه
دلش پروانه‌ی شمع نگار است	چو کودک اشک ریزد بی بهانه
کند با اعتکافش سیر هستی	زند گام بلند و سالکانه
بیا ای طوطی گویای اسرار	نما خود اعتکاف عاشقانه ^۱

منابع:

- ۱- جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، الناشر: دارالکتاب العربی، بیروت، ۱۴۱۷ ق.
- ۲- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، نشر، دفتر فرهنگ نشر اسلامی، تهران، ۱۴۰۸ ق.
- ۳- امام خمینی، تحریرالوسیله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۲۱ ق.
- ۴- محی الدین عربی، فتوحات مکیه، قاهره، المكتبة العربیة، ۱۴۰۵ ق با تحقیق عثمان یحی.
- ۵- جنابذی محمد، شرح بر کلمات قصار بابا طاهر، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۳۳ ق.
- ۶- میبدی ابوالفضل رشیدالدین، کشف الاسرار و عدّة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۱ ش، به اهتمام علی اصغر حکمت.
- ۷- امام خمینی، روح الله، دیوان امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۴ ش.
- ۸- حافظ شیرازی، انتشارات دوستان، تهران، ۱۳۸۲ ش، به کوشش بهاءالدین خرمشاهی.

۱. سروده نویسنده.

- ۹- صفی علی شاه، تفسیر عرفانی و منظوم قرآن، نشر مؤسسه فرهنگی انتشاراتی اباصالح، تهران، ۱۳۸۵ ش.
- ۱۰- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، بیروت، دار الاحیاء التراث العربی، ۱۳۹۱ ق.
- ۱۱- صدرالمآلهین، اسفار اربعه، بیروت، نشر دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۱ میلادی.
- ۱۲- آملی حسن زاده، حسن، نص النصوص فی شرح فصوص الحکم، انتشارات توس، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- ۱۳- صادقی ارزگانی، محمدامین، شناخت عارفانه حضرت فاطمه زهرا(س)، قم، بوستان کتاب، ۱۳۹۲ ش.
- ۱۴- قاسانی عبدالرزاق، شرح منازل السائرین، قم، نشر بیدار، ۱۳۷۲ ش.
- ۱۵- صادقی ارزگانی، محمدامین، درسنامه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹ ش.
- ۱۶- حسن زاده آملی، حسن، یازده رساله، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۷- محسن فیض کاشانی، محجه البیضا، نشر مؤسسه انتشارات اسلامی، قم، بی تا.
- ۱۸- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، نشر دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- ۱۹- مولوی، جلال الدین بلخی، مثنوی معنوی، نشر هرمس، تهران، ۱۳۸۵ ش.